



The Social Problem of Raising the Age of Marriage in Iran: Factors and Contexts (Case Study: Boroujerd County)

Davoud Shahpari-Sani¹ | Mohammad Reza Hosseini²

1. Department of Demography, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: dshahpari@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Ayatollah Boroujerd, Boroujerd, Iran. E-mail: m.hosseini@abru.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 22 June 2024

Received in revised form: 05
January 2025

Accepted: 16 February 2025

Published online: 15 March
2025

Keywords:

Age of Marriage, Boroujerd
County, Delayed Marriage,
Demographic Changes,
Family Changes.

ABSTRACT

The institution of the family in Iran has undergone profound changes in recent decades due to the process of modernization and demographic transformations. The trend of delayed marriage has become a significant demographic and social challenge, as a result of the increase in the average age of marriage. This article seeks to investigate the factors that contribute to the rise in the age of marriage in Boroujerd.

A questionnaire serves as the primary research instrument in this investigation, which implements a survey methodology. A review of the scholastic literature on family and marriage identified nine socio-economic factors and demographic variables that appeared to influence the postponement of marriage. These factors were then formulated as research hypotheses. In Boroujerd, the statistical population comprises never-married men and women between the ages of 20 and 45. A sample of 537 individuals was selected from the population through simple random sampling in various regions of the city.

The results suggest that the average age at first marriage in Boroujerd is being influenced by a variety of important factors, including the challenge of meeting marriage requirements, economic capability, and acceptance of gender equality. The difficulty of marriage conditions was the most significant contributor to the increase in the age of singleness among these factors, emphasizing its prominence in comparison to other factors that affect delayed marriage.

In recent years, these results have underscored the critical role of socio-economic variables in the formation of families and marriage patterns in Iran. Given the significance of these changes, macro-level demographic planning and policymaking must include a significant focus on them.

Cite this article: Shahpari-Sani, D. & Hosseini, M. (2025). The Social Problem of Increasing the Age of Marriage in Iran: Factors and Contexts (Case Study: Boroujerd County). *Social Studies and Research in Iran*, 14(1):139-160.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2025.378385.1519>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.378385.1519>



مسئله اجتماعی افزایش سن ازدواج در ایران: عوامل و زمینه‌ها (مورد مطالعه: شهرستان بروجرد)

داود شهپری ثانی^۱ | محمدرضا حسینی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: dshahpari@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: m.hosseini@abru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نهاد خانواده در ایران، متأثر از ورود فرایند نوسازی و روندهای کلان جمعیتی، تحولات عمیقی را در چند دهه اخیر تجربه کرده است. یکی از حوزه‌های این تحولات، افزایش میانگین سن ازدواج است؛ به طوری که روند تأخیر در ازدواج به یکی از چالش‌های مهم جمعیتی و اجتماعی تبدیل شده است. مقاله پیش‌رو با هدف بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در شهرستان بروجرد انجام گرفته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲	روش تحقیق پیمایش و ابزار آن پرسشنامه است. با بررسی پیشینه تحقیق در حوزه خانواده و ازدواج، عوامل اجتماعی-اقتصادی (۹ عامل) و متغیرهای جمعیت‌شناختی که به نظر می‌رسید تعیین‌کننده وضعیت تأخیر در ازدواج باشند، انتخاب و در قالب فرضیه‌های تحقیق تدوین شدند. جامعه آماری تحقیق شامل دختران و پسران هرگز ازدواج‌نکرده شهرستان بروجرد در بازه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۵۳۷ نفر از بخش‌های مختلف شهر انتخاب شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶	نتایج نشان داد دشواری‌های شرایط ازدواج، برخورداری از تمکن اقتصادی و پذیرش برابری جنسیتی از عوامل مؤثر بر افزایش میانگین سن در اولین ازدواج در شهرستان بروجرد هستند. بیشترین درصد تغییرات افزایش سن مجردی توسط عوامل دشواری‌های شرایط ازدواج صورت گرفته که نشان‌دهنده اهمیت و مهم بودن این عامل در مقایسه با سایر عوامل دیگر اثرگذار بر افزایش سن ازدواج است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸	این نتایج نشان‌دهنده اهمیت متغیرهای اجتماعی-اقتصادی در تغییرات الگوهای ازدواج و تشکیل خانواده در ایران طی سال‌های اخیر است که لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری کلان جمعیتی به آن توجه جدی شود.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
تأخیر ازدواج، تغییرات جمعیتی، تغییرات خانواده، سن ازدواج، شهرستان بروجرد..	

استناد: شهپری‌ثانی، داود و حسینی، محمدرضا (۱۴۰۴). مسئله اجتماعی افزایش سن ازدواج در ایران: عوامل و زمینه‌ها (مورد مطالعه: شهرستان بروجرد). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۴(۱): ۱۳۹-۱۶۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.378385.1519>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.378385.1519>

۱. مقدمه و طرح مسئله

خانواده به‌عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری، از این جهت که می‌تواند بر هر نظام اجتماعی اثرگذار باشد، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و سنگ بنای هر نظام اجتماعی‌ای محسوب می‌شود (باو و فرناندز^۱، ۲۰۲۱؛ آقاجانیان و تامپسون^۲، ۲۰۱۳؛ گنجی و همکاران، ۱۳۹۴). این نهاد در طول یک قرن گذشته در ایران تغییرات زیادی کرده (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۶) و نه تنها شکل گسترده خود را تغییر داده و شکل هسته‌ای پیدا کرده، بلکه تغییرات در روابط عاطفی آن نیز اتفاق افتاده است (آزاد ارمکی و بهار، ۲۰۰۶). همگام با سایر تغییرات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران، الگوی ازدواج و تشکیل خانواده نیز در گذر زمان تحولات زیادی یافته و اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده است (شهپری‌ثانی و همکاران، ۱۴۰۰). این تغییرات شامل تحول در شکل و الگوی ازدواج، افزایش سن ازدواج و طولانی‌تر شدن دورهٔ مجرد است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۶؛ هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸). بررسی الگوی سنی ازدواج ایران طی نیم‌قرن اخیر (۱۳۴۵-۱۳۹۵) نشان می‌دهد الگوی سنی ازدواج به‌ویژه در بین زنان تغییرات چشمگیری داشته است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ به طوری که میانگین سن در اولین ازدواج زنان در این دوره افزایشی بوده و از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳ سال در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. برای مردان نیز این شاخص افزایش یافته و از ۲۵/۶ سال در ابتدای دوره به ۲۷/۴ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶). این آمارها نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج در ایران برای دو جنس میل به همگرایی دارد و در طول این دوره، فاصلهٔ این میانگین برای دو جنس از ۶/۶ سال در سال ۱۳۴۵ به ۳ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد هنوز ۱۲ درصد جمعیت ۲۵ ساله و بیشتر در ایران، هرگز ازدواج نکرده‌اند. این نسبت برای مردان ۱۴ درصد و برای زنان ۱۰ درصد است؛ در حالی که در دو دههٔ قبل یعنی در سال ۱۳۷۵ این نسبت برای هر دو جنس ۶/۳ درصد، برای زنان ۵ و برای مردان ۷/۵ درصد بوده است (فتحی، ۱۳۹۹).

یکی از ویژگی‌های زمان‌بندی ازدواج در ایران پراکندگی استانی و شهرستانی آن است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، استان لرستان در بین پنج استانی است که بالاترین میانگین سن ازدواج دو جنس را دارند (۲۸/۳ برای مردان و ۲۴/۲ برای زنان). همچنین آمارها و مطالعات نشان می‌دهد تفاوت‌ها در مقیاس شهرستانی تقریباً دو برابر نوسان‌ها در سطح استان است (امامی و همکاران، ۱۴۰۰). آمارهای سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز حکایت از تفاوت‌های آشکار بین شهرستانی در استان لرستان دارد؛ به طوری که این شاخص از ۲۹/۳ سال برای مردان شهرستان سلسله و ۲۵/۶ سال برای زنان شهرستان کوه‌دشت تا ۲۷ سال برای مردان شهرستان دلفان و ۲۳ سال برای زنان شهرستان ازنا در نوسان است. شهرستان بروجرد نیز با میانگین ۲۸ سال برای مردان و نزدیک به ۲۴ سال برای زنان یکی از شهرستان‌هایی است که بالاترین میانگین سن ازدواج را در بین شهرستان‌های استان لرستان دارد.

از منظر اجتماعی و جمعیتی، افزایش سن ازدواج و تغییر الگوهای زناشویی پیامدهای متعددی دارد. از یک سو این پدیده می‌تواند فرصت‌های بیشتری را برای ادامهٔ تحصیل، دستیابی به مشاغل پردرآمد و درنهایت ارتقای رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه فراهم کند. از سوی دیگر ممکن است به تغییر در الگوهای باروری، کاهش نرخ باروری (عباسی‌شوازی، ۲۰۰۰)، افزایش مجرد قطعی، کاهش

عمومیت ازدواج، به تعویق افتادن فرزندآوری، کاهش بعد خانوار و کاهش نرخ رشد جمعیت منجر شود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین تأخیر در ازدواج می‌تواند دوره فرزندآوری را کوتاه‌تر کند و میانگین طول نسل را افزایش دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). از بعد بهداشتی، افزایش سن ازدواج و گسترش روابط پیش از ازدواج ممکن است زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر جنسی و شیوع بیماری‌هایی نظیر ایدز شود (ترابی، ۱۳۹۱). در نهایت تأخیر در ازدواج ممکن است موجب شود که بخشی از جوانان، به‌ویژه دختران، شانس ازدواج را از دست بدهند و به مجرد قطعی برسند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

براین اساس، پژوهش حاضر با برآورد عوامل اجتماعی مرتبط، به بررسی علل افزایش سن ازدواج در بین دختران و پسران مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج شهر بروجرد می‌پردازد. در این زمینه، این پرسش مطرح می‌شود که به‌لحاظ نظری و تجربی چه عواملی را می‌توان به‌عنوان تبیین‌کننده‌های افزایش سن ازدواج در بین افراد مجرد شهر بروجرد برشمرد. انجام چنین پژوهش‌هایی به‌خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح میانی و کلان مورد توجه است؛ زیرا مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند پیامدهای ناخواسته اجتماعی و فرهنگی ناگواری، نه تنها در سطح فردی، بلکه مهم‌تر از آن برای جامعه در پی داشته باشد.

۲. پیشینه نظری و تجربی

چارچوب نظری تحقیق حاضر را «نظریه انتخاب عقلانی»، «نظریه گذار دوم جمعیت‌شناختی»، «نظریه نوسازی»، «نظریه برابری جنسیتی»، «نظریه تورم رکودی» و «نظریه ساختاری» دیکسون تشکیل می‌دهد. نظریه انتخاب عقلانی با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادی خرد به تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در جامعه می‌پردازد. بر مبنای این نظریه، انسان موجودی عقلانی است که همواره در حال سنجش هزینه‌ها و منافع تصمیمات خود است؛ بنابراین افراد به‌صورت آگاهانه و هدفمند تلاش می‌کنند تا در شرایط مختلف، منافع خود را به حداکثر برسانند (هرفلد^۱، ۲۰۲۰). کاربرد این نظریه در حوزه خانواده و ازدواج نیز نشان می‌دهد اگر افراد احساس کنند ازدواج سبب ازدست‌دادن منافع خاصی می‌شود، ممکن است از آن اجتناب کنند. در این چارچوب، مفاهیم کلیدی مانند دستاورد، هزینه و فایده به‌عنوان عناصر مشترک میان دیدگاه‌های مختلف این نظریه مطرح می‌شوند و مبنایی برای تحلیل رفتارهای مرتبط با تصمیم‌گیری در زمینه ازدواج فراهم می‌آورند: نظریه‌های اقتصادی متعددی، افزایش سن ازدواج را تبیین کرده‌اند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نظریه هزینه-فرصت که به ارزیابی منافع و زیان‌های ازدواج می‌پردازد، نظریه پیشینه‌سازی سود که بر رفتارهای مبتنی بر کسب حداکثر منافع تأکید دارد، فرضیه اروپایی که به تأخیر ازدواج تا دستیابی به شرایط اقتصادی مناسب اشاره می‌کند و در نهایت، نظریه جذابیت که به میزان جذابیت اجتماعی و اقتصادی ازدواج می‌پردازد (منش^۲ و همکاران، ۲۰۰۵؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷). یکی دیگر از نظریه‌های مطرح در حوزه تغییرات خانواده معاصر، «نظریه گذار دوم جمعیت‌شناختی» است. این نظریه ناظر بر تغییراتی است که در سطح ازدواج، باروری و جامعه رخ می‌دهد. کاهش میزان ازدواج، افزایش سن در اولین ازدواج، افزایش همخانگی‌های قبل و بعد از ازدواج، افزایش طلاق و کاهش ازدواج مجدد بعد از طلاق و بیوگی، از تغییراتی است که در سطح ازدواج رخ می‌دهد. کاهش باروری با به‌تعویق انداختن فرزندآوری، بالارفتن سن والدشدن، کاهش باروری به زیر سطح جایگزینی تغییراتی را که در سطح باروری رخ می‌دهد شامل می‌شود (ون‌دکا^۳، ۱۹۸۷؛ لستهاگه^۴، ۲۰۰۷).

1. Herfeld
2. Mensch
3. Van de Kaa
4. Lesthaeghe

در «دیدگاه نوسازی»، به مهم‌ترین مشخصه‌های مدرنیزاسیون (گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی) و نقش آن‌ها در تغییرات سن ازدواج اشاره شده است (مارش^۱، ۲۰۱۴). فرایند نوسازی، با ترجیح خانواده‌ هسته‌ای و فردمحوری بر خانواده‌محوری سبب بهبود وضعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی و شهرنشینی می‌شود و ازدواج‌های با انتخاب آزاد و تشکیل خانواده در سن بالاتر را تشویق می‌کند (دیوید و میر، ۱۳۹۴)؛ بنابراین، این فرایند با توجه به انتخاب آزاد، معمولاً به ازدواج‌هایی با سن بالاتر منجر می‌شود. مفهوم کلیدی دیدگاه «برابری جنسیتی»، برابری فرصت بین دو جنس است. این برابری شامل اموری نظیر آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و سایر زمینه‌ها می‌شود. زنان در پی تعقیب فرصت‌های شغلی و آموزشی به همان اندازه که مردان پیش می‌روند، برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند. این برابری موجب تأخیر در سن ازدواج زنان می‌شود. به تأخیرافتادن هزینه‌ای است که زنان برای دستیابی به برابری فرصت مجبورند پرداخت کنند (کاملی‌پور، ۱۳۸۳). نظریه «تورم رکودی» توضیح می‌دهد که تأخیر در ازدواج تا حد زیادی تحت تأثیر شرایط نامساعد اقتصادی قرار دارد. به‌طور خاص، در دوره‌های رونق اقتصادی، نرخ ازدواج افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی، تمایل به ازدواج کاهش می‌یابد و به تعویق می‌افتد. بحران‌های سیاسی و اقتصادی و عوامل ناشی از تورم رکودی، از جمله بیکاری، کاهش تولید، افزایش هزینه‌های مسکن (اجاره و خرید) و مخارج زیاد مراسم ازدواج، انتظارات منفی را در میان جوانان ایجاد می‌کنند. این شرایط موانع جدی بر سر راه ازدواج ایجاد می‌کند و موجب می‌شود افراد احساس کنند که آمادگی لازم برای تشکیل خانواده را ندارند؛ بنابراین تصمیم به به‌تعویق‌انداختن ازدواج می‌گیرند (التجائی و عزیززاده، ۱۳۹۵؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷). «نظریه ساختاری» دیکسون (۱۹۷۱) تأخیر در سن ازدواج را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی بسط می‌دهد و بر اهمیت سه متغیر واسطه‌ای میان ساختار اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می‌کند: الف) قابلیت دسترسی به شریک زندگی آینده که براساس نسبت سنی و جنسی افراد آماده ازدواج و همچنین نوع فرایند انتخاب همسر (ترتیب‌یافته یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود؛ ب) امکان پذیر بودن ازدواج با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود؛ ج) مطلوبیت ازدواج که تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی قرار دارد (عباسی‌شوازی و رشوند، ۱۳۹۶؛ سروش و ترکاشوند مرادآبادی، ۱۴۰۰). درنهایت، دیکسون نتیجه می‌گیرد که تأخیر در سن ازدواج، بازتابی از روندهای مدرنیزاسیون و تحول اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل ساختاری و فرهنگی قرار دارد. این نظریه زمینه‌ساز تحلیل‌های بیشتری درخصوص پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی این پدیده در جوامع امروزی است.

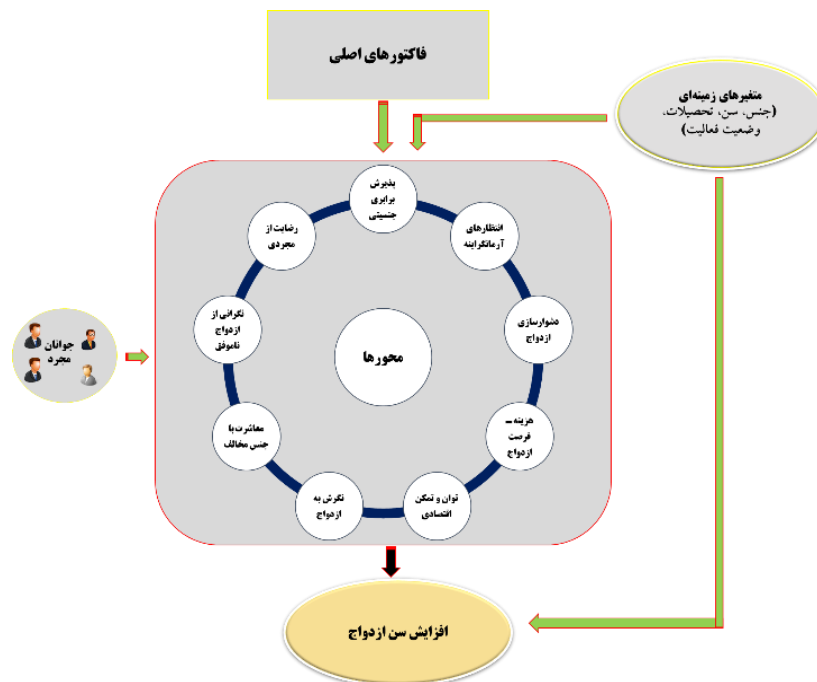
ازدواج به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی نهاد خانواده، از موضوعاتی است که به‌واسطه اهمیت آن، پژوهشگران و محققان رشته‌های مختلف به آن علاقه‌مندند و این موضوع را هم به‌عنوان موضوعی درون رشته‌ای و هم به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای مطالعه کرده‌اند. در تبیین عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج نیز مطالعات بسیاری صورت گرفته که نتایج برخی از این مطالعات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مطالعات صورت گرفته در بررسی افزایش سن ازدواج در ایران و نتایج آن‌ها

محقق	عنوان تحقیق	خلاصه یافته‌ها
محمودیان (۱۳۸۳)	سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان	شهرنشینی، تحصیلات، نرخ مشارکت زنان، ازدواج‌های انتخابی و آزادانه، برابری جنسیتی و نسبت خویشاوندی، بر سن ازدواج اثر مستقیم دارند.
صادقی و همکاران (۱۳۸۶)	واکاووی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل	عوامل متعددی مانند بیکاری، نابرابری جنسیتی در فرایند ازدواج، پیدانکردن فرد مناسب و مشکلات اقتصادی به عنوان موانع اصلی در مسیر ازدواج جوانان شناسایی شده‌اند.
هزارجریبی و آستین فشان (۱۳۸۸)	بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۱۳۵۵-۱۳۸۵)	نرخ بیکاری، میزان مشارکت اقتصادی زنان، تحصیلات عالی و میزان باسوادی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج هستند.
حبیب‌پورگنابی و غفاری (۱۳۹۰)	علل افزایش سن ازدواج دختران	تحصیلات بالا، نگرش فرامادی به ازدواج، از عوامل اصلی افزایش سن ازدواج دخترانی است که دیرتر ازدواج می‌کنند. این افراد معتقدند با ازدواج، هزینه-فرصت‌های ازدست‌رفته پیش از فرصت ازدواج رابطه معنادار دارد؛ در حالی که در پسران، معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج دارای رابطه معنادار است.
خلج آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲)	بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران	تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است. همچنین تفاوت جنسیتی واضحی در ارتباط با معاشرت‌های پیشرفته قبل از ازدواج، با تمایل به ازدواج وجود دارد؛ به طوری که معاشرت پیشرفته در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنادار دارد؛ در حالی که در پسران، معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج دارای رابطه معنادار است.
التجائی و عزیززاده (۱۳۹۵)	بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان‌استانی	یافته‌ها نشان داد افزایش متغیرهای تورم و بیکاری به افزایش سن ازدواج در هر دو جنس منجر می‌شود. در یک مدل که از رشد مخارج خانوار به جای تورم استفاده می‌شود، این متغیر رفتاری مشابه تورم، اما کمی ضعیف‌تر، بر سن ازدواج تأثیر دارد.
نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶)	سنجش نگرش دانشجویان به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن	نتایج نشان می‌دهد بین متغیرهای هزینه-فرصت، کلیشه‌های نقش جنسیتی و دینداری با نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد. بیشترین تأثیرگذاری در نگرش سستی به ازدواج مربوط به متغیر دینداری است؛ در حالی که برای نگرش مدرن به ازدواج، تأثیرگذاری مربوط به هزینه-فرصت است.
اسمعیلی و بی‌بی رازقی نصرآباد (۱۴۰۲)	بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج با تمرکز بر الزامات و بایسته‌های سیاسی	مطابق نتایج، کاهش ارزش ازدواج، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی و توانمندبودن زنان به ترتیب اثرگذارترین شاخص‌ها و گسترش ارتباط دوستی پسران و دختران قبل از ازدواج، گسترش فیلم‌های شبکه‌های خانگی، سینمایی و دغدغه تأمین مسکن مناسب به ترتیب مهم‌ترین زیرشاخص‌های مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان هستند.

مرور تحقیقات انجام شده در حوزه موضوع حاضر نشان‌دهنده این است که دسته‌ای از تحقیقات به دنبال بررسی و توصیف موانع ازدواج و دسته‌ای دیگر در پی بررسی و تبیین علل کاهش تمایل به ازدواج بوده‌اند. وجه تمایز این مطالعه با تحقیقات پیشین در این است که تحقیق حاضر با رویکردی جامع‌تر، به نوعی شامل هر دو حیطة فوق می‌شود. انتظار می‌رود با شناسایی متغیرهای مانع از ازدواج، دلایل کاهش تمایل به ازدواج مشخص شوند.

پس از مرور ادبیات نظری و تجربی، عوامل مرتبط با افزایش سن ازدواج (متغیرهای ذکر شده در شکل ۱) به عنوان عوامل اثرگذار در گرایش به ازدواج تعیین و در نهایت با استفاده از پشتوانه نظری، تجربی و مصاحبه‌های کیفی، فرضیه‌های تحقیق پی‌ریزی شدند.



شکل ۱. مدل نظری-تحلیلی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج

براین اساس فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شوند:

۱. پذیرش برابری جنسیتی افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۲. داشتن تمکن مالی و اقتصادی مناسب افراد مجرد سبب کاهش میانگین سن در اولین ازدواج می‌شود.
۳. دشواری شرایط ازدواج موجب بالا رفتن میانگین سن در اولین ازدواج می‌شود.
۴. پذیرش نگرش و نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق در بین افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۵. اعتقاد به هزینه-فرصت بالای ازدواج در بین افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۶. افزایش رضایت از مجردی، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۷. معاشرت‌های خارج از چارچوب خانواده در بین افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۸. داشتن انتظارات آرمان‌گرایانه در بین افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.
۹. کم‌وکیف نگرش و گرایش اندک به ازدواج در بین افراد مجرد، میانگین سن در اولین ازدواج را افزایش می‌دهد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش‌شناسی بر رویکرد کمی استوار بوده و از روش تحقیق پیمایشی بهره گرفته است. با توجه به ماهیت پژوهش و ضرورت گردآوری داده‌های گسترده از یک جامعه آماری بزرگ، روش پیمایش به‌عنوان رویکردی مناسب انتخاب شده است. علاوه بر این، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه استفاده شده است تا امکان دستیابی به اطلاعاتی فراهم

شود که قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را داشته باشد. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود.^۱ مفاهیم تحقیق حاضر شامل متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است. متغیر وابسته افزایش میانگین سن در اولین ازدواج است و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: پذیرش برابری جنسیتی، تمکن اقتصادی برای ازدواج، دشوارسازی ازدواج، نگرش و گرایش به ازدواج، نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج، رضایت از مجردی، معاشرت با جنس مخالف و همچنین متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای (جنسیت، تحصیلات، قومیت، اشتغال). اعتبار محتوایی و صوری پرسشنامه را متخصصان (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) تأیید کرده و پایایی ابزار سنجش نیز به کمک آزمون آلفای کرونباخ به دست آمده است (جدول ۲). مقدار آلفای کرونباخ متغیرها نشان می‌دهد پایایی شاخص‌های ساخته شده تحقیق در سطح قابل قبول است.

جدول ۲. مقدار آلفای به دست آمده برای هریک از متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ در آزمون مقدماتی	مقدار آلفای کرونباخ
پذیرش برابری جنسیتی	۸	۰/۷۳	۰/۸
تمکن اقتصادی برای ازدواج	۶	۰/۷۴	۰/۷۴
دشوارسازی ازدواج	۴	۰/۷۳	۰/۷
نگرش و گرایش به ازدواج	۹	۰/۸۱	۰/۸۵
نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق	۶	۰/۷	۰/۷۸
انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج	۷	۰/۴۹	۰/۶۸
اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج	۶	۰/۷۴	۰/۷۴
رضایت از مجردی	۴	۰/۷	۰/۷۴
معاشرت با جنس مخالف	۸	۰/۷۱	۰/۷۴

جامعه آماری این پژوهش شامل افراد مجرد شهر بروجرد است که در بازه سنی دختران ۲۰ تا ۴۵ ساله و پسران ۲۵ تا ۴۵ ساله قرار دارند. انتخاب این بازه سنی به این دلیل انجام شده که براساس عرف اجتماعی، ازدواج در سنین کمتر از این محدوده معمولاً به عنوان تأخیر در ازدواج در نظر گرفته نمی‌شود، اما پس از گذر از این بازه سنی، موضوع تأخیر در ازدواج بیشتر مطرح می‌شود. براساس آمارهای موجود، تعداد افراد واجد شرایط در این گروه‌های سنی ۶۵۰۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه اولیه ۳۸۵ نفر محاسبه شد. با این حال، برای افزایش دقت و صحت نتایج، این تعداد به حدود یک‌ونیم برابر افزایش یافت و در نهایت نمونه‌ای شامل ۵۳۷ نفر انتخاب شد. اطلاعات این افراد به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده جمع‌آوری شد. در فرایند نمونه‌گیری، ابتدا برای پوشش مناسب مناطق مختلف شهر بروجرد، محققان نقاط مختلف شهر را براساس معیارهای اقتصادی-اجتماعی شناسایی و دسته‌بندی کردند. سپس از میان محله‌ها و بلوک‌های هر محله، نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام گرفت. در گام بعد، با مراجعه به درب منازل، فهرستی از افراد مجرد در سنین مذکور تهیه شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، یک فرد مجرد برای مصاحبه انتخاب شد. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در دو بخش انجام گرفت. در بخش اول، با استفاده از جدول‌های تقاطعی و نیز سایر آمارهای مقتضی به ارائه توصیفاتی از جمعیت و نمونه مورد بررسی پرداخته شده است. در این بخش با استفاده از دستور جاگذاری ارزش‌های مفقوده با محاسبه میانگین در هر گویه، ارزش‌های مفقوده مربوط به هریک از گویه‌های یک متغیر جایگذاری شد. با توجه

۱. شایان ذکر است که برخی از گویه‌ها نیز از تحقیقات پیشین اخذ شدند.

به اینکه ارزش‌های مفقوده کمتر از ۰/۰۵ بوده است، این روش جایگزینی اتخاذ شد. پس از جایگزینی ارزش‌های مفقوده، گویه‌های مربوط به هریک از متغیرها برای محاسبه شاخص مربوط به آن متغیر با هم جمع شده است (رابطه ۱).

$$S = \frac{x - \min}{\max - \min} * 100 \quad (1)$$

در بخش دوم، در قالب آمار استنباطی به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق مبادرت شد. در این بخش با کمک نرم‌افزار آماری SPSS ابتدا روابط دومتغیره از طریق آزمون همبستگی پیرسون، آزمون T و آزمون F بررسی قرار شد. سپس با استفاده از رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام به برآورد ضرایب اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق پرداختیم تا اثرگذاری هر متغیر بر متغیر وابسته با کنترل سایر متغیرها بررسی شود.

۴. نتایج

۴-۱. یافته‌های توصیفی

توزیع پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیتی در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۵۲ درصد (۲۸۲ نفر) نمونه مورد بررسی را خانم‌ها و ۴۸ درصد (۲۵۵ نفر) را آقایان تشکیل می‌دهند. در نمونه مورد بررسی ۷۲ درصد از دختران کمتر از ۳۰ سال و ۸۵ درصد پسران کمتر از ۳۵ سال سن داشته‌اند. اولین نکته‌ای که درباره تحصیلات پاسخگویان شایان ذکر است آن است که علی‌رغم قراردادادن گزینه «بی‌سواد» در بین گزینه‌های مربوط به این سؤال، فقط دو خانم و یک آقا اعلام کرده بودند که بی‌سواد هستند و از آنجا که فراوانی آن‌ها قابل توجه نبود، در گزینه تحصیلات «ابتدایی یا کمتر» ادغام شدند. به نظر می‌رسد با توجه به شهری بودن نمونه تحقیق و گسترش دامنه تحصیلات در سطح جامعه، این آمار طبیعی است. نکته بعد اینکه بیشتر مجردها دارای تحصیلات سطوح بالا به‌ویژه کاردانی یا کارشناسی بوده‌اند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان قومیت خود را لر یا لک اعلام کرده‌اند که با توجه به مختصات شهر بروجرد، طبیعی به نظر می‌رسد. برای موضوع حاضر، وضعیت اشتغال می‌تواند متغیری تعیین‌کننده باشد. از این‌رو، از پاسخگویان خواسته شد وضعیت خود را درخصوص این متغیر مشخص کنند. یافته‌ها نشان داد فقط ۴۱ درصد نمونه مورد بررسی شاغل هستند و از بین آن‌ها، ۱۶ درصد از دختران و ۱۱ درصد از پسران کمتر از ۲ سال است که به فعالیت‌های درآمدزا اشتغال دارند؛ درحالی‌که ۱۳ درصد دختران و ۱۷ درصد پسران بین ۲ تا ۵ سال است که به کسب درآمد اشتغال دارند. با هدف ارزیابی میزان مصمم‌بودن فرد در زمینه ازدواج، از او پرسیده شد: «چقدر احتمال می‌دهید طی یکی دو سال آتی ازدواج کنید؟» و در ادامه از پاسخگویان پرسیده شد که طی یک سال گذشته چند بار خواستگاری رفته‌اید یا خواستگار داشته‌اید. بخش زیادی از پاسخگویان (۲۲ درصد دختران و ۳۹ درصد پسران) احتمال ازدواجشان طی یک یا دو سال آتی را صفر یا نزدیک به آن بیان کرده‌اند. در مقابل، فقط ۱۹ درصد دختران و ۱۰ درصد پسران احتمال ازدواجشان را زیاد یا خیلی زیاد اعلام کردند. سایر پاسخگویان را می‌توان در دامنه کم یا متوسط قرار داد که اعداد مربوط به هریک در جدول آمده است. درخصوص تعداد خواستگاری در یک سال گذشته، بیشتر پسران یعنی ۶۵ درصد آن‌ها اعلام کرده‌اند که تاکنون از هیچ دختری خواستگاری نکرده‌اند و به‌جز ۵ درصدی که به این سؤال پاسخ نداده‌اند، سایرین تجربه حداقل یک بار خواستگاری را داشته‌اند، اما درخصوص دختران، فقط ۱۱ درصد آن‌ها گفته‌اند که تاکنون هیچ خواستگاری نداشته‌اند و ۱۱ درصد آن‌ها نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند، اما سایرین اعلام کرده‌اند که در سال گذشته حداقل یک خواستگار و ۴۰ درصدشان بین سه تا شش خواستگار داشته‌اند.

جدول ۳. توزیع درصد پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیتی

مشخصه‌های آماری		مرد	زن	مشخصات	
مرد	زن				
میانگین ۳۱/۲ انحراف معیار ۴/۸	میانگین ۲۷/۳ انحراف معیار ۵/۶	۰	۳۲	۲۰-۲۴	زن
		۴۷	۴۰	۲۵-۲۹	
		۳۸	۲۲	۳۰-۳۴	
		۱۲	۶	۳۵-۳۹	
		۳	۰	+۴۰	
		۰	۳۲	ابتدایی یا راهنمایی	تحصیلات
		۴۹	۴۰	متوسطه یا دیپلم	
		۳۸	۲۲	کاردانی یا کارشناسی	
		۱۳	۶	ارشد یا دکتری	
		۲	۰/۵	اظهارنشده	
		۵۹	۴۸	لر و لک	قومیت
		۴/۵	۹	کرد	
		۲۸	۲۹/۵	فارس	
		۸/۵	۱۳	سایر	
		۱۶	۱۱	دانشجو	وضعیت اشتغال
		۰	۱۴	خانه‌دار	
		۲۶	۲۱	بیکار	
		۱۷	۳۰	کارمند	
		۴۱	۲۴	شغل آزاد	
		۱۱	۱۶	کمتر از ۲ سال	مدت اشتغال
		۱۷	۱۳	۲ تا ۵ سال	
		۱۲	۹	۵ تا ۱۰ سال	
		۱	۲	+۱۰	
		۳۹	۲۲	اصلاً	احتمال ازدواج
		۲۱	۱۳	خیلی کم	
		۱۶	۲۴	متوسط	
		۱۶	۶	زیاد	
		۴	۱۰	خیلی زیاد	
		۵	۱۲	اظهارنشده	
		۶۵	۱۱	اصلاً	تعداد خواستگاری در یک سال گذشته
		۱۹	۲۶	۱ یا ۲ بار	
		۶	۴۰	۳ تا ۶ بار	
		۵	۷	۷ تا ۱۰ بار	
		۰	۵	+۱۰	
		۵	۱۱	اظهارنشده	
میانگین = ۲۱/۱۳	میانگین = ۲۹/۶	۲	۱۱/۲	۱۵ تا ۲۰ سال	زن

مشخصه‌های آماری		مرد	زن	مشخصات
مرد	زن			
انحراف معیار = ۴/۶	انحراف معیار = ۴/۶	۱۱	۴۹/۵	۲۱ تا ۲۵ سال
		۵۲	۲۳	۲۶ تا ۳۰ سال
		۱۸	۱	۳۱ تا ۳۵ سال
		۳/۵	۱/۵	۳۶ تا ۵۰ سال

یافته‌ها درخصوص مناسب‌ترین سن ازدواج نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان، سنین ۱۵ تا ۳۵ بیشترین مطلوبیت را داشته است؛ به طوری که مناسب‌ترین سن ازدواج برای زنان ۱۵ تا ۳۰ و برای مردان ۲۱ تا ۳۵ است. بارزترین این تفاوت در طیف سنی ۲۱ تا ۲۵ برای زنان و ۲۶ تا ۳۰ برای مردان است. همان‌طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، ۴۹ درصد پاسخگویان مناسب‌ترین سن ازدواج برای زنان را ۲۱-۲۵ بیان کرده‌اند؛ درحالی که ۵۲ درصد پاسخگویان مناسب‌ترین سن ازدواج مردان را ۲۶-۳۰ گزارش کرده‌اند. به منظور ارائه میانگین برای هر شاخص و تسهیل مقایسه نمرات متغیرهای پژوهش، تمامی شاخص‌ها در این مطالعه با استفاده از رابطه ۱ (بخش روش تحقیق) مقیاس‌بندی شده‌اند. براین اساس، داده‌های هر متغیر به مقیاس صفر تا صد تبدیل شده‌اند؛ به طوری که مقدار صفر نشان‌دهنده کمترین سطح و مقدار صد نشان‌دهنده بالاترین سطح آن متغیر است. درنهایت، این شاخص‌ها در قالب مقوله‌های ترتیبی پنج‌گانه دسته‌بندی شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	جنسیت	پایین	خیلی پایین	متوسط	بالا	خیلی بالا	شاخص‌های آماری
پذیرش برابری جنسیتی	زن	۲	۴	۱۴	۳۳	۴۷	میانگین: ۷۶؛ انحراف معیار: ۲۰
	مرد	۱	۱۰	۲۳	۴۶	۲۰	میانگین: ۶۵؛ انحراف معیار: ۱۸
تمکن اقتصادی	زن	۷	۲۸	۵۴	۱۰	۱	میانگین: ۴۴؛ انحراف معیار: ۱۵
	مرد	۷	۳۶	۴۱	۱۳	۳	میانگین: ۴۴؛ انحراف معیار: ۱۸
رضایت از مجردی	زن	۳	۱۴	۳۳	۳۲	۱۸	میانگین: ۶۰؛ انحراف معیار: ۲۱
	مرد	۲	۱۸	۲۶	۲۹	۲۵	میانگین: ۶۲؛ انحراف معیار: ۲۱
هزینه-فرصت ازدواج	زن	۸	۳۹	۴۰	۱۱	۲	میانگین: ۴۲؛ انحراف معیار: ۱۸
	مرد	۵	۳۰	۴۶	۱۷	۲	میانگین: ۴۵؛ انحراف معیار: ۱۶
دشواری ازدواج	زن	۰	۵۴	۲۲	۵	۱۹	میانگین: ۳۵؛ انحراف معیار: ۱۵
	مرد	-	۴۹	۲۵	۴	۲۲	میانگین: ۳۴؛ انحراف معیار: ۱۶
انتظارات از ازدواج	زن	۰.۵	۵	۵۰	۳۳	۱۱.۵	میانگین: ۶۰؛ انحراف معیار: ۱۵
	مرد	-	۹	۴۵	۳۸	۸	میانگین: ۶۴؛ انحراف معیار: ۱۸
نگرش به ازدواج	زن	۱	۷	۳۳	۳۷	۲۲	میانگین: ۶۳؛ انحراف معیار: ۱۸
	مرد	۲	۵	۳۱	۴۲	۲۰	میانگین: ۶۴؛ انحراف معیار: ۱۸
نگرانی از ازدواج ناموفق	زن	۲	۱۸	۳۹	۲۹	۱۲	میانگین: ۵۸؛ انحراف معیار: ۲۰
	مرد	۴	۱۶	۴۵	۲۹	۶	میانگین: ۵۷؛ انحراف معیار: ۱۸
معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف	زن	۲۶	۵۰	۱۹	۲	۳	میانگین: ۴۹؛ انحراف معیار: ۱۵
	مرد	۱۸	۵۸	۲۱	۲	۱	میانگین: ۵۰؛ انحراف معیار: ۱۳

یافته‌ها در رابطه با سنجش میزان گرایش به ازدواج پاسخگویان مجرد نشان داد ۴۵ درصد پاسخگویان تمایل زیادی به ازدواج و تشکیل خانواده دارند و این امر در بین ۳۳ درصد پاسخگویان در حد متوسط است؛ بنابراین می‌توان گفت پاسخگویان مجرد به لحاظ گرایش به ازدواج در وضعیت متغیری قرار دارند؛ اگرچه بیشتر آن‌ها گرایش زیادی به ازدواج داشته‌اند. درصدهای فوق در بین دختران و پسران بسیار نزدیک به یکدیگر است. یافته‌ها در زمینه سنجش نگرش پاسخگویان به برابری جنسیتی در حوزه خانواده و نقش‌های خانوادگی نشان داد برحسب گویه‌های مذکور و دسته‌بندی فوق، درصد کمی از پاسخگویان، نگرش منفی به برابری جنسیتی ابراز کرده‌اند و در واقع اعتقاد کاملی به برابری جنسیتی بین زن و مرد نداشته‌اند، اما ۱۴ درصد دختران و ۲۳ درصد پسران پذیرش برابری جنسیتی را در حد متوسط اعلام کرده‌اند. شایان توجه است که ۸۰ درصد دختران و ۶۶ درصد پسران پذیرش برابری جنسیتی خود را در حد زیاد و خیلی زیاد ابراز کرده‌اند. نتایج تحقیق درباره سنجش توان مالی و تمکن اقتصادی پاسخگویان مجرد نشان داد غالب آن‌ها اعلام کرده‌اند که تمکن مالی مناسبی ندارند؛ به صورتی که براساس طیف پنج‌مقوله‌ای ارائه‌شده، ۳۵ درصد دختران و ۴۳ پسران وضعیت تمکن اقتصادی خود را بسیار کم و کم گزارش کرده‌اند. در این بین، ۵۴ درصد دختران و ۴۱ درصد پسران وضعیت توان مالی خود را متوسط گزارش کرده‌اند و فقط ۱۱ درصد دختران و ۱۶ درصد پسران گفته‌اند که شرایط مالی و اقتصادی مناسبی برای ازدواج دارند.

جدول ۴ نشان می‌دهد تقریباً یک‌پنجم از افراد مورد بررسی رضایت کمی از وضعیت مجردی خود دارند. از سوی دیگر، ۵۰ درصد دختران و ۵۴ درصد پسران رضایت زیاد از مجردی را گزارش کرده‌اند. جالب توجه است که حدود ۳۰ درصد از افراد در پاسخ به سؤالات مربوط به رضایت از مجردی، حد متوسط را انتخاب کرده‌اند؛ به این معنا که گاهی از مجردی خود خوشحال و گاهی ناراحت هستند و رضایت کلی ندارند. در پاسخ به سؤال هزینه-فرصت ازدواج، ۴۷ درصد دختران و ۳۵ درصد پسران معتقدند که افراد پس از ازدواج نیز می‌توانند به اهداف، برنامه‌ها و اموری که مدنظر خویش دارند، برسند. ۱۳ درصد دختران و ۱۹ درصد پسران معتقدند ازدواج هزینه-فرصت زیادی را تحمیل می‌کند. در نظر این عده، ازدواج تا حدودی مانعی در برابر دستیابی به اهداف و برنامه‌های فرد قلمداد می‌شود. علاوه بر توزیع فراوانی‌های پاسخگویان، شاخص‌های آماری نیز حکایت از اعتقاد زیاد به هزینه-فرصت ازدواج در بین پسران دارد. یافته‌ها در زمینه ارزیابی میزان انتظارات آرمان‌گرایانه پاسخگویان از ازدواج نشان داد آن‌ها عموماً انتظارات حد متوسطی از آن داشته‌اند. با این حال، در این زمینه می‌توان گفت ۴۵ درصد پاسخگویان (هم دختران و هم پسران) انتظارات زیادی از ازدواج خود ابراز کرده‌اند که می‌توان نام آرمان‌گرایانه بر آن نهاد.

علاوه بر این، یافته‌های جدول ۴ مشخص کرد فقط حدود ۸ درصد از پاسخگویان مورد بررسی دارای نگرش منفی و بدبینانه به ازدواج هستند، اما بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی حدود ۶۰ درصد آن‌ها اعلام کرده‌اند که نگرش مثبت و خوش‌بینانه‌ای به ازدواج دارند. دیدگاه این افراد را می‌توان این‌گونه تشریح کرد که در مواردی ازدواج دارای جذابیت‌های منحصر به فرد است، اما در برخی موارد، به معنای محدودیت و گرفتاری است. یافته‌ها درخصوص نگرانی از داشتن یک ازدواج ناموفق نشان داد بیشتر پاسخگویان نگرانی زیادی در این زمینه دارند؛ به طوری که ۴۱ درصد دختران و ۳۵ درصد پسران نگرانی زیاد و ۳۹ درصد دختران و ۴۵ درصد پسران نگرانی متوسطی را اعلام کرده‌اند. گفتمانی است ۲۰ درصد پاسخگویان احتمال کمی درمورد ناموفق بودن ازدواجشان می‌دهند و در این زمینه نگرانی کمی ابراز کرده‌اند. بررسی وضعیت گرایش به معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف در بین پاسخگویان به تفکیک دختران و پسران نشان داد ۲۹ درصد دختران و ۱۹ درصد پسران مخالفت شدید و به طبع عدم تمایل به معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف را اعلام کرده‌اند. در نظر آن‌ها برقراری چنین روابط و تعاملاتی نامطلوب ارزیابی شده است، اما نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۵۰ درصد دختران و ۵۸ درصد پسران) به نوعی موافقت محدود و مشروط خود را با برقراری روابط دوستانه با جنس مخالف اعلام کرده‌اند.

۲-۴. ارزیابی فرضیه‌های پژوهش

در جدول ۵ نتایج تحلیل دومتغیره و بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تمام فرضیه‌های تحقیق به جز پذیرش برابری جنسیتی برای دختران و دشواری ازدواج برای مردان تأیید شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل دومتغیره روابط بین افزایش سن افراد مواجه با تأخیر در ازدواج و متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای تحقیق	جنسیت	مقدار آزمون	سطح معناداری
پذیرش برابری	زن	۰/۰۷۴	۰/۲۱۶
	مرد	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱
تمکن مالی و اقتصادی	زن	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵
	مرد	۰/۰۳۱	۰/۰۰۱
دشواری ازدواج	زن	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۲۳	۰/۰۷۱۰
نگرانی از ازدواج ناموفق	زن	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵
هزینه-فرصت ازدواج	زن	۰/۰۳۶	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۳۵	۰/۰۰۱
رضایت از مجردی	زن	۰/۰۴۱	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۳۴	۰/۰۰۱
معاشرت با جنس مخالف	زن	۰/۰۲۳	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱
انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج	زن	۰/۰۳۱	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۲۶	۰/۰۰۱
نگرش به ازدواج	زن	۰/۰۵۱	۰/۰۰۱
	مرد	۰/۰۴۸	۰/۰۰۱

ارزیابی فرضیه اول: یافته‌های استنباطی تحقیق درباره آزمون رابطه بین پذیرش برابری جنسیتی و افزایش سن ازدواج نشان داد همبستگی معناداری بین این دو متغیر در بین دختران وجود ندارد، اما در میان پسران رابطه‌ای به میزان منفی ۰/۲۴ قابل مشاهده است. به بیان دیگر می‌توان گفت پسرانی که سن بالاتری دارند، کمتر حاضر به پذیرش برابری جنسیتی هستند و بنابراین تنازعات جنسیتی و عدم پذیرش برابری جنسیتی از سوی مردان از دلایل افزایش سن ازدواج پسران بوده است. تصور بر این است که در پی تغییرات فرهنگی در جامعه ایران، زنان به دنبال داشتن فرصت‌ها و حقوق مساوی با مردان هستند، اما مردان براساس ارزش‌های قدیمی و مردسالارانه خود، به پذیرش این تحولات علاقه‌ای ندارند.

ارزیابی فرضیه دوم: نتیجه آزمون فرضیه رابطه بین افزایش سن ازدواج و داشتن تمکن مالی نشان داد بین این دو متغیر رابطه معنادار و منفی وجود دارد. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت کسانی که توان مالی مناسب ندارند یا از حمایت‌های اقتصادی خانواده

برخوردار نیستند (به‌ویژه در بین پسران)، سن بالاتری داشته‌اند و بنابراین می‌توان گفت که مشکلات مالی از دلایل افزایش سن ازدواج (تأخیر در ازدواج) آن‌ها است. چنان که گفته شد، مقدار همبستگی بین دو متغیر مذکور، در بین پسران کمی بیشتر از دختران است که با توجه به اینکه تأمین هزینه‌های اصلی خانواده بر دوش شوهر است، این امر قابل توجیه است.

ارزیابی فرضیه سوم: یافته‌های تحقیق نشان داد به‌لحاظ آماری رابطه معناداری بین دو متغیر دشواری ازدواج و افزایش سن ازدواج در بین پاسخگویان دختر وجود دارد، اما در بین پسران چنین رابطه‌ای وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت دخترانی که تمایل بیشتری به دشواری ازدواج خود داشته‌اند، سن بالاتری را اعلام کرده‌اند. در مجموع دشواری ازدواج را می‌توان یکی از دلایل افزایش سن ازدواج دختران تلقی کرد؛ در حالی که سن ازدواج پسران ارتباطی با میزان دشواری ازدواج از سوی آن‌ها ندارد. ارزیابی فرضیه چهارم: آزمون فرضیه تحقیق بین دو متغیر سن ازدواج و نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق نشان داد بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معنا است که پاسخگویانی که از آینده ازدواج خود نگرانی دارند (هر دو جنس) و احتمال می‌دهند که ازدواج ناموفقی داشته باشند، سن بالاتری دارند. از این رو، به‌نظر می‌رسد نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق به‌ویژه در بین دختران را می‌توان از دلایل افزایش سن اعلام کرد.

ارزیابی فرضیه پنجم: رابطه مثبت و متوسطی بین دو متغیر اعتقاد به هزینه-فرصت بالای ازدواج و افزایش سن ازدواج وجود دارد و در این رابطه تفاوتی بین دختران و پسران مشاهده نمی‌شود. به بیان دیگر، پاسخگویانی که قائل به هزینه-فرصت زیاد ازدواج هستند، سن ازدواج بالاتری را ابراز کرده‌اند. بر این اساس، هرچه اعتقاد به هزینه-فرصت زیاد ازدواج بیشتر باشد، ازدواج در سنین بالاتری اتفاق خواهد افتاد و برعکس. این یافته دلالت بر تأیید فرضیه فوق مبنی وجود رابطه معنادار بین اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج و سن ازدواج (تأخیر در ازدواج) دارد. از این رو به‌نظر می‌رسد می‌توان عدم گرایش پاسخگویان به ازدواج را از این زاویه تبیین کرد.

ارزیابی فرضیه ششم: در خصوص ارتباط بین رضایت از مجردی و وضعیت سن ازدواج یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ای متوسط و مثبت بین این دو متغیر است. اگرچه مقدار آن در بین دختران کمی بیشتر است، اما به‌صورت کلی می‌توان گفت پاسخگویانی که از مجرد بودن خود رضایت دارند، تا حدودی سن بالاتری داشته‌اند و به‌طبع تأخیر بیشتری در ازدواج آن‌ها رخ داده است. با توجه به وجود سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ می‌توان گفت رابطه مشاهده‌شده معنادار است و با اطمینان ۹۹ درصد شاهد رابطه فوق در جامعه آماری (تمامی پاسخگویان مجرد دختر و پسر) خواهیم بود.

ارزیابی فرضیه هفتم: نتایج آزمون نشان داد رابطه معناداری بین گرایش به معاشرت و تعامل با جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده و نظارت والدین (برای هر دو جنس) در قالب روابط دوستانه و افزایش سن ازدواج وجود دارد. بدین معنا که با افزایش این قبیل تعاملات، افزایش سن ازدواج محتمل است؛ زیرا گرایش به ازدواج کاهش می‌یابد و برعکس. پاسخگویانی که روابط دوستانه با جنس مخالف را مثبت‌تر ارزیابی کرده‌اند و به آن گرایش داشته‌اند، در مقایسه با دیگران، سن بالاتری داشته‌اند و در واقع تأخیر بیشتری در ازدواج آن‌ها رخ داده است. یافته فوق با اطمینان ۹۹ درصد، قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق است و می‌توان همواره این رابطه را انتظار داشت. ارزیابی فرضیه هشتم: یافته‌ها در باب ارتباط میان انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج و سن ازدواج نشان داد بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. پاسخگویانی که برای زندگی مشترک خود انتظارات ایدئال‌گرایانه‌ای تعریف کرده‌اند یا چنین انتظاراتی دارند، در هنگام مصاحبه سن بالاتری داشته‌اند و از این حیث تفاوتی بین دختران و پسران وجود ندارد. به بیان دیگر، جوانان ازدواج‌نکرده دارای سن بالاتر، انتظارات آرمان‌گرایانه بیشتری داشته‌اند. به این ترتیب می‌توان این قبیل انتظارات را یکی از دلایل تأخیر در ازدواج تلقی کرد.

ارزیابی فرضیه نهم: سنجش رابطه نگرش به ازدواج و سن پاسخگویان نشان از همبستگی نسبتاً قوی و منفی بین این دو متغیر برای هر دو جنس دارد؛ به گونه‌ای که نگرش منفی به ازدواج سبب بالارفتن سن ازدواج می‌شود. به عبارت دیگر، افراد دارای تأخیر در ازدواج (سن بالاتر) عموماً کسانی هستند که نگرش منفی به ازدواج دارند. همچنین ارزیابی رابطه دو متغیر نگرش و گرایش به صورت مجزا با متغیر سن ازدواج می‌تواند جالب باشد و اطلاعاتی را منتقل کند. براین اساس، آزمون رابطه بین متغیرهای گرایش به ازدواج و سن حکایت از آن دارد که بین این دو رابطه منفی و متوسطی وجود دارد که بیانگر کاهش میل به ازدواج در بین افراد مجرد دارای سن بالا است. این یافته از آن جهت که با افزایش سن برخی از هیجان‌های جوانی فروکش کرده و جوان حالت بی‌اعتنایی اتخاذ می‌کند، قابل تبیین و درک است.

در خصوص متغیرهای زمینه‌ای تحقیق، در مورد افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین جنسیت، قومیت، وضعیت فعالیت و سن وجود ندارد. از آنجا که تفاوت معناداری مشاهده نشد، نمی‌توان به مقایسه میانگین‌ها پرداخت. همچنین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ارتباطی میان تحصیلات و سن افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج وجود ندارد. از این رو نمی‌توان گفت پاسخگویانی که تحصیلات کمتر یا بیشتری دارند، در سن ازدواج نیز متفاوت هستند. به صورت کلی، براساس یافته‌های تحقیق حاضر، سن ازدواج پاسخگویان مجرد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج ارتباطی با جنسیت، تحصیلات، قومیت یا وضعیت اشتغال آن‌ها ندارد.

جدول ۶. نتایج تحلیل دومتغیره روابط بین سن افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج و متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق

سن افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج				وابسته / مستقل
سطح معنی‌داری*	مقدار T یا F	میانگین	مقوله‌ها	
۰/۹۲۱	۰/۷۰۱	۹/۹۷	زن	جنس
		۹/۹۳	مرد	
۰/۶۷۴	۱/۷۹	۹/۸۹	لر و لک	قومیت
		۸/۹۱	کرد	
		۴/۶۷	فارس	
		۴/۲۱	سایر	
۰/۴۱۲	۱/۵۲	۷/۸۹	دانشجو	وضع فعالیت
		۷/۹۱	خانه‌دار	
		۸/۵۸	بیکار	
		۶/۴۱	کارمند	
۰/۱۲۸	۳/۸۵	۸/۹۱	ابتدایی یا راهنمایی	تحصیلات
		۱۰/۰۱	متوسطه یا دیپلم	
		۷/۰۱	کاردانی یا کارشناسی	
		۷/۹۵	ارشد یا دکتری	

۳-۴. تحلیل چندمتغیره

نتایج تحلیل رگرسیون و ضرایب تأثیر رگرسیونی هریک از متغیرهای پیش‌بین بر سن ازدواج افراد مواجه با تأخیر در ازدواج در جدول ۷ و در دو مدل ارائه شده است. در مدل اول، متغیرهای برابری جنسیتی، تمکن اقتصادی برای ازدواج، دشواری ازدواج، نگرش و گرایش به ازدواج، نگرانی از داشتن ازدواج ناموفق، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج، رضایت از مجردی، معاشرت با جنس مخالف که به‌طور مستقیم و بدون واسطه سن ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند، وارد مدل رگرسیونی شده است. ضریب همبستگی چندگانه در مدل اول ۰/۷۱۱، ضریب تعیین ۰/۴۹۲ و ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۴۸۶ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد ۴۸ درصد از واریانس افزایش میانگین سن در اولین ازدواج توسط این متغیرها تبیین می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مدل با توجه به سطح معنی‌داری و مقدار بتا، متغیرهای دشواری ازدواج (۰/۶۵۱) و تمکن اقتصادی (۰/۵۸۹) بیشترین تأثیر را بر افزایش سن ازدواج افراد مواجه با این پدیده در شهر بروجرد داشته‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متغیرهای جمعیتی در گام دوم به مدل رگرسیونی اضافه شده‌اند. در این مدل، متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای شامل جنس، وضع فعالیت، تحصیلات و قومیت به‌صورت تصنعی استفاده شده‌اند. با ورود هم‌زمان متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای، ضریب تعیین هم افزایش پیدا کرده و از ۴۸ درصد در مدل اول به ۵۷ درصد در مدل دوم رسیده است. همچنین ورود این متغیرها موجب تغییر در سطح معنی‌داری متغیر پذیرش برابری جنسیتی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این متغیر که در مدل اول معنی‌دار نشده بود، در این مدل و با ورود متغیرهای جمعیتی معنی‌دار شده است.

جدول ۷. نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر افزایش میانگین سن اولین ازدواج در بین افراد مجرد

سن افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج						متغیر وابسته
مدل ۲			مدل ۱			
sig	Beta	B	sig	Beta	B	متغیرهای مستقل و عناصر رگرسیون
۰/۰۰۳	۰/۵۰۴	۰/۵۸۹	۰/۰۶۳	۰/۵۹۴	۰/۶۵۷	پذیرش برابری جنسیتی
۰/۰۰۴	-۰/۵۴۱	-۰/۶۶۸	۰/۰۰۴	-۰/۵۸۹	-۰/۷۵۱	تمکن اقتصادی
۰/۲۴۷	۰/۳۹۴	۰/۴۸۱	۰/۲۴۷	۰/۴۹۶	۰/۵۴۱	رضایت از مجردی
۰/۰۴۹	۰/۴۸۷	۰/۵۲۸	۰/۰۴۹	۰/۵۷۶	۰/۶۹۸	هزینه-فرصت ازدواج
۰/۰۱۲	۰/۵۹۲	۰/۶۷۸	۰/۰۱۲	۰/۶۵۱	۰/۷۷۸	دشواری ازدواج
۰/۰۸۴	۰/۴۱۱	۰/۵۱۷	۰/۰۸۴	۰/۳۲۱	۰/۴۱۳	انتظارات از ازدواج
۰/۰۶۴	-۰/۱۸۷	-۰/۲۹۸	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۶	-۰/۳۸۹	نگرش به ازدواج
۰/۰۹۴	۰/۶۶۶	۰/۷۶۲	۰/۰۹۴	۰/۷۴۶	۰/۸۷۲	نگرانی از ازدواج ناموفق
۰/۵۴۴	۰/۳۵۱	۰/۴۲۳	۰/۵۴۴	۰/۴۲۱	۰/۵۴۸	معاشرت‌های دوستانه با جنس مخالف
۰/۰۹۴	۰/۸۴۱	۰/۹۱۵				جنس (مرد)
۰/۱۲۸	-۰/۳۸۴	-۰/۴۲۱				ابتدایی یا راهنمایی
۰/۵۶۸	۰/۵۴۱	۰/۶۱۲				متوسطه یا دیپلم
۰/۰۷۸	۰/۵۸۹	۰/۶۸۷				کاردانی یا کارشناسی
۰/۰۹۵	۰/۶۱۲	۰/۷۴۱				لر و لک
۰/۸۲۳	۰/۴۸۷	۰/۵۱۸				کرد
۰/۰۶۲	-۰/۶۸۳	-۰/۷۳۹				فارس

سن افراد مواجه با افزایش میانگین سن در اولین ازدواج						متغیر وابسته
مدل ۲			مدل ۱			
sig	Beta	B	sig	Beta	B	متغیرهای مستقل و عناصر رگرسیون
۰/۱۸۹	۰/۵۴۶	۰/۶۲۴				دانشجو
۰/۰۷۸	۳۹۷	۰/۳۵۸				خانه‌دار
۰/۳۳۵	-۰/۸۰۹	-۰/۹۷۱				بیکار
۰/۰۷۴	۰/۷۵۶	۰/۸۷۱				کارمند
۰/۷۵۴			۰/۷۱۱			R
۰/۵۸۶			۰/۴۹۲			R square
۰/۵۷۱			۰/۴۸۶			Adjusted R square
۰/۰۰۱			۰/۰۰۱			Sig

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده در ایران متأثر از ورود فرایند نوسازی و روندهای کلان جمعیتی تغییر و تحولات عمیقی در چند دهه اخیر یافته است (بگی و عباسی‌شوازی، ۲۰۲۱؛ آقاجانیان و تامپسون، ۲۰۱۳). یکی از حوزه‌های این تغییرات، افزایش میانگین سن ازدواج برای هردو جنس است؛ به طوری که روند تأخیر در ازدواج دختران و پسران به یکی از چالش‌های مهم جمعیتی و اجتماعی تبدیل شده است (امامی و همکاران، ۱۴۰۰). به دلیل تغییرات اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های نسل جدید با تغییرات گسترده‌ای مواجه شده است. تا چند سال پیش، سن بلوغ بیانگر سن ازدواج بود یا نهایتاً چند سال محدود پس از سن بلوغ، ازدواج فرد اتفاق می‌افتاد، اما امروزه برای هردو جنس ازدواج در سنین بیشتری صورت می‌گیرد و در بسیاری موارد، این سن از حد عرف جامعه (البته شاید براساس ارزش‌های مورد قضاوت نسل پیشین) عبور کرده که می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد؛ برای مثال، میانگین سن در اولین ازدواج به‌عنوان متغیر بلافصل، تأثیر زیادی بر باروری دارد؛ به طوری که تحقیقات مختلف نشان می‌دهد افزایش سن ازدواج در جوامع با کاهش باروری همبستگی داشته است (دی‌تری^۱، ۱۹۷۷؛ جونز^۲، ۲۰۰۹؛ اسلام و رحمان، ۲۰۲۰). علاوه بر این، زمان ازدواج و تشکیل خانواده، چرخه زندگی خانوادگی را که حاصل تعامل عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است، دچار تغییر و تحول می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳)؛ بنابراین، تلاش در جهت یافتن عوامل مؤثر بر سن ازدواج در هر جامعه‌ای اهمیت بسزایی دارد. انجام چنین تحقیقاتی در مقیاس‌های مختلف (استانی، شهرستانی و...) هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی می‌تواند بسیار مفید و کاربردی واقع شود. این مطالعه نیز با هدف پی‌بردن به عوامل تبیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین افراد مجرد مواجه با تأخیر در ازدواج شهر بروجرد انجام شده است.

در این راستا نتایج آزمون فرضیات تحقیق نشان داد متغیرهای تمکن مالی و اقتصادی، نگرانی از ازدواج ناموفق، هزینه-فرصت ازدواج، رضایت از مجردی، معاشرت با جنس مخالف، انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج، نگرش و گرایش به ازدواج برای هردو جنس رابطه معناداری با افزایش سن ازدواج دارند. از این نظر، نتایج تحقیق با نتایج مطالعات محمودیان (۱۳۸۳)، حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰)، خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) و نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. درخصوص رابطه بین رضایت از زندگی

1. De Tray
2. Jones

مجردی و وضعیت سن ازدواج می‌توان این یافته را با آن دسته از نظریه‌هایی که قائل به اولویت فرد و خواسته‌های فردی هستند، تبیین کرد. مطابق با نظریه‌های فردگرایی، در پی تغییرات دنیای معاصر به‌خصوص در حوزه خانواده، منافع و علایق فرد تعیین‌کننده رفتارهای او شده و دیگر تحت تأثیر سنت‌ها یا اجبارهای اجتماعی نیست. همچنین رابطه معنادار بین معاشرت با جنس مخالف و افزایش سن ازدواج را که با نتایج برخی پژوهش‌ها از جمله خلج آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز همسو است، می‌توان با نظریه‌های گذار جمعیت‌شناختی، نوسازی و دیدگاه گذار ساختاری تبیین کرد. تغییراتی که در الگوهای جنسی و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی رخ داده و تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری کشورهای پیشرفته، به‌طور قابل‌توجهی سبب جایگزینی روابط دوستانه با افراد جنس مخالف به‌جای روابط خانوادگی شده است. قرارگرفتن در معرض موقعیت‌های جدید که متأثر از انقلاب‌های صنعتی، اجتماعی و ایدئولوژیک دهه‌های اخیر است، موجب تغییر نگرش افراد و پیروی از ارزش‌های جدید و مردود دانستن ارزش‌های سنتی شده است.

در این تحقیق، ارتباط معنادار متغیر پذیرش برابری جنسیتی و افزایش سن ازدواج فقط در بین پسران مواجه با تأخیر در ازدواج تأیید شد، اما ارتباط معناداری بین این دو متغیر برای دختران مشاهده نشد. همچنین ارتباط معناداری بین متغیر دشواری ازدواج و افزایش سن ازدواج برای پسران دیده نمی‌شود، اما رابطه این دو متغیر برای دختران معنادار شده است. علاوه‌براین، نتایج تحقیق نشان داد ارتباط معناداری بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و افزایش سن ازدواج وجود ندارد. به‌رحال، بخشی از تغییرات در سن ازدواج، مربوط به روند عمومی تحولات اجتماعی جامعه ایران و حتی تحولات جهانی و نیز تغییر تعریف نهاد خانواده و ازدواج در جامعه و تغییر مناسبات بین‌اجنسیتی و تحول در سبک زندگی در برخورد با مسئله تجرد قطعی یا تأخیر در ازدواج و نظایر آن است که به‌عنوان بسترها و شرایط مؤثر بر امر عمل می‌کنند. هرچند تحت تأثیر عوامل مختلف که به برخی از آن‌ها در این تحقیق اشاره شده، ازدواج افزایش پیدا کرده، اما با توجه به مطلوبیت ازدواج در بین جوانان ایرانی شاید بتوان با اقدامات مداخله‌ای مانند حمایت‌های مالی از جوانان با اقداماتی نظیر اعطای اعتبارات مالی، افزایش سهم عائله‌مندی در حقوق جوانان شاغل، اعطای مشوق‌های مادی در صورت ازدواج و سایر اقدامات، برگزاری جشن‌های ازدواج گروهی توسط ادارات، بنیادها و مؤسسه‌ها برای کاهش هزینه‌های اولیه ازدواج، آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی به جوانان برای داشتن یک زندگی مشترک پایدار، سبب افزایش امید به داشتن یک ازدواج موفق‌تر می‌شود. اگر افراد فرصت اقتصادی مناسبی داشته باشند و همچنین بیاموزند که چگونه با چالش‌های خود مواجه شوند و آن‌ها را کنترل کنند، نگرانی از شروع زندگی مشترک کاهش می‌یابد و با افزایش امید، تصمیم به ازدواج می‌گیرند. بخشی از این دیدگاه که افراد تصور می‌کنند با ازدواج منافی است که می‌توانستند به‌دست آورند، دیگر نمی‌توانند کسب کنند، غیرواقعی است و گاهی رسانه‌ها به این تصورات نیز دامن می‌زنند. در این خصوص سعی در فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش جوانان مجرد به این دیدگاه از راه‌های مختلف مانند کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، الگوسازی از افراد متأهل و... می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مورد استفاده قرار گیرد.

علاوه‌براین، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد متغیرهای دشواری ازدواج، برخورداری از تمکن اقتصادی، و پذیرش برابری جنسیتی، تأثیر بیشتری بر افزایش سن ازدواج در میان افراد مجرد و افرادی که با تأخیر در ازدواج مواجه هستند، نسبت به سایر عوامل دارند. این یافته‌ها را می‌توان با استناد به نظریه‌های اقتصادی، ساختاری و فرهنگی تبیین کرد. براساس نظریه هزینه-فرصت، افراد در فرایند تصمیم‌گیری برای ازدواج به محاسبه منافع و هزینه‌های مرتبط می‌پردازند. دشواری ازدواج، شامل هزینه‌های بالای برگزاری مراسم، تهیه مسکن و سایر الزامات اقتصادی، موجب افزایش ادراک هزینه‌های ازدواج می‌شود و افراد را وادار می‌کند این تصمیم را به تأخیر بیندازند. از سوی دیگر، نظریه بیشینه‌سازی سود نیز تأکید دارد که افراد تمایل دارند انتخاب‌هایی داشته باشند که بیشترین بازده اقتصادی و اجتماعی را برای آن‌ها فراهم کند. در نتیجه، زمانی که منابع مالی کافی برای حمایت از یک زندگی مشترک وجود ندارد، ازدواج به تأخیر می‌افتد. همچنین نظریه‌های ساختاری مانند دیدگاه دیکسون نشان می‌دهد امکان‌پذیری

ازدواج به شرایط اقتصادی و اجتماعی وابسته است. افزایش هزینه‌های زندگی، بیکاری و دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی، موانعی ساختاری برای ازدواج ایجاد می‌کنند. در کنار این، پذیرش برابری جنسیتی موجب تغییر نگرش‌ها به ازدواج و انتظارات افراد از آن شده است. زنان امروزه بیشتر به دنبال تحصیلات عالی و اشتغال پایدار هستند که به طور ضمنی ازدواج را به عنوان هدفی در اولویت پایین‌تر قرار می‌دهد. در نهایت، این نتایج بر تأثیر عمیق تحولات فرهنگی و اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های فردی در زمینه ازدواج تأکید دارند. افزایش سطح آگاهی اجتماعی و رشد فردگرایی نیز موجب شده است که افراد پیش از ورود به زندگی مشترک، استانداردها و انتظارات بالاتری داشته باشند که این امر به افزایش سن ازدواج منجر می‌شود.

مأخذ مقاله: تالیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اسمعیلی، نصیبه و بی‌بی رازقی نصرآباد، حجه (۱۴۰۲). بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج با تمرکز بر الزامات و بایسته‌های سیاسی. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲ (۵)، ۱۰۷-۱۵۲. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_174335.html
- امامی، عادل، عسکری ندوشن، عباس، ترکاشوند مرادآبادی، محمد و ترابی، فاطمه (۱۴۰۰). تأخیر ازدواج در ایران: تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای تجرد مردان و زنان. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۷ (۱)، ۳۵-۶۵. <https://doi.org/10.22034/jips.2022.324174.1149>
- التجائی، ابراهیم و عزیززاده، مینا (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۷ (۳)، ۱-۱۹.
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۱). تأخیر ازدواج در ایران: عوامل و پیامدها. *مجموعه مقالات همایش ملی جمعیت، تعالی و راهبردها*. جلد اول. تهران: سازمان ثبت احوال کشور.
- حبیب‌پور گنتابی، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۹ (۱)، ۷-۳۷.
- حسینی، حاتم، صادقی، رسول و رضایی، اردشیر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۱ (۱)، ۱۴۷-۱۷۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74459>
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی‌پور، شهلا و رحیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹ (۳۳)، ۷-۲۸.
- واحد، سروش و ترکاشوند مرادآبادی، محمد (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ایدئال ازدواج در جوانان مواجه با تأخیر ازدواج در استان یزد. *فصلنامه فرهنگی اجتماعی فرهنگ یزد*، ۳ (۳)، ۵۳-۸۴.
- شکوری، اعظم؛ نقدی، اسدالله؛ امامعلی‌زاده، حسین و رحیمی، زهرا (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۷ (۴۱)، ۴۹-۷۲.
- شهبیری ثانی، داود؛ صادقی، رسول؛ حدادی، جواد؛ خواجه‌نژاد، راضیه؛ حسینی، محمدرضا و محمودیان، حسین (۱۴۰۰). تحلیل وضعیت جمعیتی و اقتصادی خانوارهای زن سرپرست در ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۱۲ (۴۷)، ۱-۱۸. <https://doi.org/10.30495/jzv.2021.25575.3320>
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و همکاران (۱۳۹۶). *تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران*، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران.

- عباسی‌شوازی، محمدجلال و رشوند، مرجان (۱۳۹۶). سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۲(۲۴)، ۱۳۵-۱۶۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1396.12.24.5.6>
- عسکری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و پیری‌محمدی، مریم (۱۳۹۵). سن ایدئال ازدواج و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر یزد. مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۳)، ۳۵-۶۳. <https://doi.org/10.22095/jwss.2016.44383>
- فتحی، الهام (۱۳۹۹). نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران. تهران: پژوهشکده آمار.
- فتحی، الهام، جاوید؛ نورمحمد، سرخیل، بهناز و زبرجد، سودابه (۱۳۹۶). تغییرات میانگین سن ازدواج در ایران، مرکز آمار ایران. تهران، ایران. <http://amar.srtc.ac.ir/article-1-281-fa.html>
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۲۴.
- گنجی، محمد، نیازی؛ محسن و ملک‌پور شهرکی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر ازم‌گسیختگی خانوادگی در شهرکرد. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۱)، ۱۶۷-۱۹۴. https://jisr.ut.ac.ir/article_55081.html
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۴)، ۲۷-۵۴.
- محمودیان، حسین؛ محمودیانی، سراج‌الدین و شهریار، سهیلا (۱۳۹۴). ازدواج خویشاوندی، تفاوت‌های بین‌نسلی و عوامل پشتیبان آن در کرمانشاه. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۱)، ۱۴۵-۱۶۶.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی جمعیت و مسکن ۱۳۷۵-۱۳۹۵. <https://amar.org.ir>
- نیکخواه، هدایت‌الله؛ فانی، مریم و اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۷)، ۹۹-۱۲۲. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21711>
- هزارجریبی، جعفر و آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۸۵-۸۵». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۱)، ۱۳-۳۲. <https://doi.org/10.22054/qjds.2010.5690>

- Abbasi-Shavazi, M. J. (2017). Iran's Population Situation Analysis. *National Institute of Population Research and UNFPA, Tehran. (In Persian)*
- Abbasi-Shavazi, M. J. (2000). *Effects of marital fertility and nuptiality on fertility transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996.* <https://digitalcollections.anu.edu.au/bitstream/1885/41458/4/84.pdf>
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Rashvand, M. (2018). The Proportion of Marriage Value on the Marriage Status Women 20-34 Years Old in the City of Tehran. *Journal of Population Association of Iran, 12(24), 135-169.* <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1396.12.24.5.6> (In Persian)
- Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013). Household size and structure in Iran: 1976-2006. *The Open Family Studies Journal, 5(1).* <http://dx.doi.org/10.2174/1874922401305010001>
- Azadarmaki, T., & Bahar, M. (2006). Families in Iran: Changes, challenges and future. *Journal of Comparative Family Studies, 37(4), 589-608.* <https://doi.org/10.3138/jcfs.37.4.589>
- Bagi, M., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). Projections of Family Households and Living Arrangements and Applications in Iran. *Yi Zeng et al. (2021) The Innovative Multistate Methods for Household and Living Arrangement Projections and Applications, Science Press, Beijing, 606-620.*
- Bau, N., & Fernández, R. (2021). The family as a social institution, *Discussion Paper DP16263, Centre for Economic Policy Research.* <https://ssrn.com/abstract=3886732>
- De Tray, D. N. (1977). Age of marriage and fertility: A policy review. *The Pakistan Development Review, 16(1), 89-100.*
- Eltejaee, E., & Azizzadeh, M. (2016). A survey on Economic and Cultural Determinants of Marriage Age in Iran: a Cross-Province Study. *Sociological Cultural Studies, 7(3), 1-18. (In Persian)*

- Emami, A., Askari-Nodoushan, A., Torkashvand Moradabadi, M., & Torabi, F. (2022). Marriage Postponement in Iran: District-level Analysis of Youth Singlehood Patterns. *Iranian Population Studies*, 7(1), 35-65. <https://doi.org/10.22034/jips.2022.324174.1149> (In Persian)
- Esmaeili, N., & Razeghi Nasrabad, H. B. (2023). Investigation and ranking of the factors affecting the increase in the age of marriage, focusing on policy requirements. *Socio-Cultural Strategy*, 12(5), 107-152. (In Persian)
- Fathi, E. (2020). *A look at the past, present and future of Iran's population*, Statistical Research and Training Center. (In Persian)
- Fathi, E., Javid, N., Sarkhil, B., & Zobarjad, S. (2016). *Changes in the age at marriage in Iran*, Statistics Center of Iran, Tehran, Iran. (In Persian)
- Ghorbani, Z., & Torabi, F. (2021). Changes in the ideal age at marriage in Iran and its Determinants between 2004 and 2015. *Journal of Population Association of Iran*, 16(31), 33-59. <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.136091.1161> (In Persian)
- Habibpour Gatabi, K., & Ghaffary, G. (2011). A Study on The Causes of Rising Marriage Age Among Girls. *Woman in Development & Politics*, 9(1), 7-34. (In Persian)
- Herfeld, C. (2020). The diversity of rational choice theory: A review note. *Topoi*, 39(2), 329-347. <https://doi.org/10.1007/s11245-018-9588-7>
- Hezar Jaribi, J., & Astin Feshan, A. (2009). Investigating the Socio-Economic Factors Influencing Women's Age at Marriage during the Last Three Decades. *Social Development & Welfare Planning*, 1(1), 1-32. <https://doi.org/10.22054/qjds.2010.5690> (In Persian)
- Hosseini, H., Sadeghi, R., & Rezaei, A. (2019). Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran. *Community Development (Rural and Urban)*, 11(1), 147-172. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74459> (In Persian)
- Hosseini, H., Sadeghi, R., & Rezaei, A. (2019). Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran. *Community Development (Rural and Urban)*, 11(1), 147-172. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74459> (In Persian)
- Islam, M. A., & Rahman, A. (2020). Age at first marriage and fertility in developing countries: A meta analytical view of 15 Demographic and Health Surveys. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 8(3), 775-779. <https://doi.org/10.1016/j.cegh.2020.01.018>
- Jones, G. W., & Gubhaju, B. (2009). Factors influencing changes in mean age at first marriage and proportions never marrying in the low-fertility countries of East and Southeast Asia. *Asian Population Studies*, 5(3), 237-265. <https://doi.org/10.1080/17441730903351487>
- Kazemipour, S. (2004). Changes in the age at marriage women in Iran and demographic factors affecting it. *Woman in Development & Politics*, 2(3), 103-124. (In Persian)
- Khalajabadi Farahani, F., Kazemipour, S., & Rahimi, A. (2013). The Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran. *Journal of Family Research*, 9(1), 7-28. (In Persian)
- Lesthaeghe, R. J. (2007). Second demographic transition. *Encyclopedia of Sociology*. Blackwell, 4-123.
- Mahmoudian, H. (2004). The age at marriage is increasing: investigation of supporting factors. *Journal of Social Science Letter*, 11(4), 27-54. (In Persian)
- Marsh, R. M. (2014). Modernization theory, then and now. *Comparative Sociology*, 13(3), 261-283.
- Mensch, B. S., Singh, S., & Casterline, J. B. (2005). Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world. *The Changing Transitions to Adulthood in Developing Countries: Selected Studies*, 118-171.
- Nikkhah, H. A., Fani, M., & Asgharpour, A. (2017). Students' Attitude Towards Marriage and Factors Affecting It. *Journal of Applied Sociology*, 28(3), 99-122. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21711> (In Persian)
- Shahpari Sani, D., Sadeghi, R., Hadadi, J., Khajenexad, R., Hosseini, M., & Mahmoudian, H. (2021). Analysis of the demographic, social and economic situation of female-headed households in Iran. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 12(47), 1-18. <https://doi.org/10.30495/jzv.2021.25575.3320> (In Persian)
- Statistical center of Iran. *Population-Housing Censuses (1996-2016)*. <https://old.sci.org.ir/english> (In Persian)

- Torabi, F., Baschieri, A., Clarke, L., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2013). Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-Economic and Cultural Change in Time and Space. *Population, Space and Place*, 19, 258-274. <https://doi.org/10.1080/02673843.2024.2312849> (In Persian)
- Vahed, S., & Torkashvand Moradabadi, M. (2021). Investigating the factors affecting the delay of the ideal age of marriage in young people facing delayed marriage in Yazd province. *Yazd Culture and Social Cultural Quarterly*, 3(3), 53-84.
- Van de Kaa, D. J. (1987). Europe's second demographic transition. *Population Bulletin*, 42(1), 1-59.